

## بررسی بازگشت بنی اسرائیل به مصر پس از عبور از دریا از منظر مفسران قرآن کریم

حسین نقوی\*

### چکیده

مشهور است که بنی اسرائیل از دریا عبور کردند و فرعون و لشگریانش که در تعقیب آنان بودند، غرق شدند و آنان پس از عبور از دریا به سمت سرزمین مقدس فلسطین رفتند و پس از سرپیچی از فرمان خدا در مورد ورود به آن سرزمین، چهل سال در بیابان سرگردان شدند. این نوشتار با مراجعه به آیات و تفاسیر قرآن و تحلیل و بررسی دیدگاه مفسران درصدد است، نشان دهد که بنی اسرائیل پس از عبور از دریا به مصر بازگشتند و مدتی در آنجا سکونت کردند و پس از آن به سمت سرزمین مقدس کوچ نمودند. نه شاهد قرآنی - که مهمترین آنها وارث شدن بنی اسرائیل نسبت به اموال فرعونیان مصر و استخلاف و جانشینی بنی اسرائیل به جای فرعونیان است - برای تقویت این احتمال ارائه شده است و در پایان به این نتیجه رسیده است که بنی اسرائیل پس از عبور از دریا به مصر بازگشته‌اند.

### واژگان کلیدی

تفسیر تاریخی، بنی اسرائیل، موسی علیه السلام، فرعون، مصر، فلسطین.

naqavi@iki.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۳

\*. استادیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع.ج).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۰

داستان زندگی پرفراز و نشیب موسی علیه السلام را می‌توان به چهار دوره ولادت و کودکی و پرورش او در کاخ فرعون؛ دوره هجرت او از مصر به مدین و زندگی او در کنار حضرت شعیب علیه السلام؛ دوره نبوت و پیامبری و بازگشت او به مصر برای مبارزه با فرعون و دوران هلاکت فرعون و حوادث پس از آن تقسیم کرد. درباره دوره چهارم در کتاب مقدس یهودیان تعبیر خروج عظیم (خروج ۱۲: ۴۱) و کوچ قوم اسرائیل (اعداد ۳۳) و عصیان قوم در ورود به سرزمین مقدس (تثنیه ۱: ۲۶) و سرگردانی در بیابان (تثنیه ۲) نشان از این دارد که بنی‌اسرائیل از مصر خارج شده و به سمت سرزمین مقدس رفتند و فرمان خدا درباره ورود به آن سرزمین را تخلف کردند و مبتلا به سرگردانی شدند. در تاریخ یهودی نیز آمده است که بنی‌اسرائیل پس از اینکه خداوند آنان را از دریا عبور داد و فرعونیان را غرق کرد، به سمت سرزمین مقدس حرکت کردند و پس از سرپیچی از دستور خدا از ورود به آن سرزمین چهل سال در بیابان سرگردان شدند. (اپستاین، ۱۳۸۵: ۳۱) مسلمانان نیز از آیات و روایات همین مطلب را برداشت کرده‌اند (روحی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) اما از ظاهر برخی از آیات چنین می‌توان استفاده کرد که بنی‌اسرائیل پس از عبور از دریا به مصر بازگشتند.

این نوشتار درصدد است شواهد قرآنی بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر و وارث مال و سرزمین فرعونیان شدن و اقامت چند ساله در آن را از منظر قرآن کریم بیان کند. این کار افزون بر ضرورت علمی، ضرورت کاربردی نیز دارد. نشان دادن مصدق و مهیمن بودن قرآن نسبت به تورات و تصحیح داستان قرآنی در کتاب‌ها، فیلم و سریال‌های مربوط به داستان حضرت موسی علیه السلام و ارائه الگوی صحیح از مدیریت بحران حضرت موسی علیه السلام را می‌توان از اهداف و ضرورت‌های کاربردی این نوشتار بیان کرد.

### بررسی اختلاف دیدگاه مفسران در این زمینه

در میان مفسران شیعی و سنی در این زمینه اختلاف دیده می‌شود. در میان مفسران شیعی، شیخ طوسی از قول قتاده به‌عنوان یک احتمال بیان می‌کند که بنی‌اسرائیل بعد از غرق شدن فرعون به مصر بازگشتند. (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۲۳۲) کاشانی در تفسیر *منهج الصادقین فی الزام المخالفین* در ذیل آیه ۹۳ یونس، مصر را به‌عنوان یک احتمال بیان می‌کند که بنی‌اسرائیل در آن سکنی گزیدند. (کاشانی، ۱۳۰۰: ۴ / ۴۰۳) در *مجمع البیان* ذیل آیه ۵۹ سوره شعراء «كَذٰلِكَ وَاَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»

بیان شده است که خدا بنی‌اسرائیل را به مصر بازگرداند و آنان را مالک ثروت فرعونیان قرار داد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۰۰؛ ۹ / ۹۷) **تفسیر نمونه** نیز بیان می‌کند که با توجه به آیه «كَذَلِكَ وَأَوْزَنَّا قَوْمًا آخَرِينَ»، (دخان / ۲۸) و آیه «كَذَلِكَ وَأَوْزَنَّا قَوْمًا آخَرِينَ»، (شعراء / ۵۹) روشن می‌شود که بنی‌اسرائیل بعد از غرق فرعونیان به سرزمین مصر بازگشتند و وارث میراث فرعون شدند و در آنجا حکومت کردند. اما این سخن با آنچه در آیات قرآن آمده است که بنی‌اسرائیل بعد از نجات از چنگال فرعونیان به سوی سرزمین موعود حرکت کردند منافات ندارد، ممکن است گروهی از آنان در سرزمین مصر که به دست آنان افتاده بود، به‌عنوان نمایندگان از سوی حضرت موسی علیه السلام اقامت کرده باشند و گروه بیشتری راهی دیار فلسطین شده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۱ / ۱۷۸) بنابراین از دو حال خارج نیست یا بنی‌اسرائیل همگی به مصر بازگشتند و حکومتی را تشکیل دادند یا جمعی از آنها به فرمان موسی علیه السلام در آنجا ماندند و این برنامه را اجرا کردند، در غیر این صورت بیرون راندن فرعونیان و وارث ساختن بنی‌اسرائیل که در آیات آمده مفهوم روشنی نخواهد داشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵ / ۲۳۸ - ۲۴۰)

اما صاحب **تفسیر المیزان** در ذیل آیه «وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...»، (اعراف / ۱۳۷) بیان می‌کند که مراد از سرزمینی که بنی‌اسرائیل به ارث برد، شام و فلسطین است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸ / ۲۲۸) ایشان در ذیل آیه ۵۹ شعراء فقط بیان می‌کند که فرعونیان هلاک شدند و بنی‌اسرائیل باقی ماندند و این یعنی وارث آنان شدند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۲۷۷) علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۸ دخان نیز فقط بیان می‌کند که معنا روشن است و هیچ اشاره‌ای به کیفیت وارث شدن نمی‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸ / ۱۴۰) آیت‌الله جوادی آملی در **تفسیر تسنیم** در ذیل آیه ۹۳ سوره یونس، با نفی بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر در ادامه چنین بیان می‌کند که برخی شواهد نقلی دلالت دارد بر اینکه بنی‌اسرائیل وارث مساکن آل‌فرعون شدند. او برای تضعیف این شواهد عدم امکان عبور مجدد آنان از دریا را مطرح می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۷ / ۳۱۷) ایشان در جایی دیگر بیان کرده است که اثبات بازگشت قوم موسی علیه السلام در زمان حیات موسی علیه السلام به مصر آسان نیست و روایات در این زمینه هم بر فرض صحّت سند، ظنی هستند و علم‌آور نیستند. (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۰ / ۱۳۸) بنابراین روشن می‌شود که علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی قائل به بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر نیستند.

این اختلاف در میان مفسران اهل سنت نیز دیده می‌شود. قرطبی بیان می‌کند که بنی‌اسرائیل به

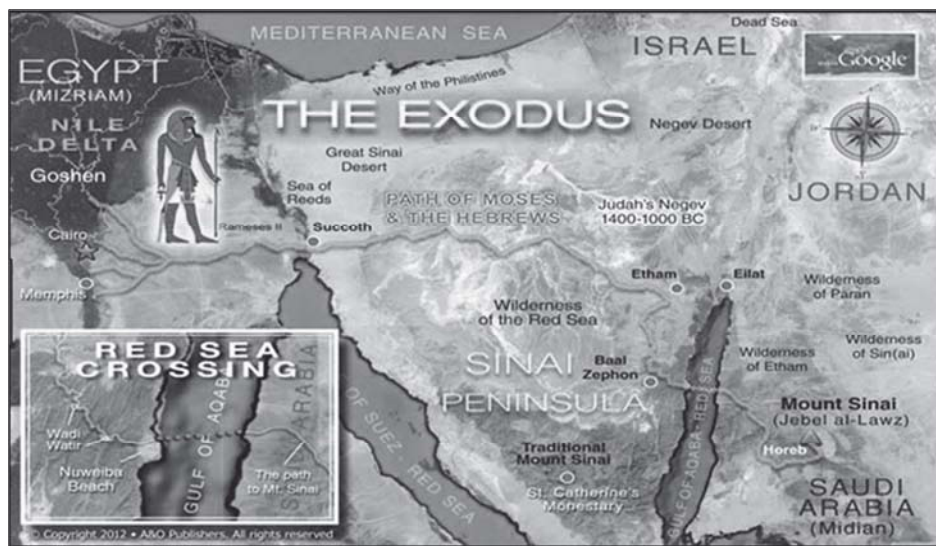
مصر بازگشتند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۸ / ۳۸۱؛ ۱۳ / ۱۰۵) آلوسی بیان می‌کند که سه احتمال درباره بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر می‌توان فرض کرد؛ یکی اینکه خدا بنی‌اسرائیل را به مصر بازگرداند و آنان را وارث مال و سرزمین فرعونیان کرد. دوم اینکه برخی از بنی‌اسرائیل به مصر آمده و وارث اموال فرعونیان شدند و باقی با موسی علیه السلام به سمت سرزمین شام رفتند. سوم اینکه پس از عبور از دریا به سمت شام رفتند و در زمان سلیمان علیه السلام مصر را تصاحب کردند. آلوسی قول دوم و سوم را با تعبیر قیل آورده است. در پایان بیان کرده که در تورات آمده است که بعد از عبور از دریا بنی‌اسرائیل به سمت شام رفتند و اکثر تواریخ نیز بر همین امر تأکید کرده‌اند ولی ظاهر بسیاری از آیات اقتضای قول اول را دارد؛ یعنی آلوسی قول اول را ترجیح داده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۸۳) در برخی کتب تفسیری ذیل آیه ۹۳ سوره یونس، به‌عنوان یک احتمال قول به اینکه مصر افزون بر شام جایی بوده که منزلگاه بنی‌اسرائیل شده، آمده است. (برای نمونه ر. ک به: طبری، ۱۴۱۲: ۱۱ / ۱۱۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۳ / ۴۰۹؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲ / ۴۳۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۷ / ۲۹۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۲۳؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۲ / ۲۵۱؛ ابن‌عبدالسلام، ۱۴۲۹: ۱ / ۲۷۷؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶: ۱ / ۳۶۲؛ محلی، ۱۴۱۶: ۲۲۲؛ سیواسی، ۱۴۲۷: ۲ / ۱۸۶؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۴ / ۱۷۴) ولی ابوعطیه، قول بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر را ضعیف شمرده است و دلیل آن را این بیان کرده است که چنین روایتی در تاریخ وجود ندارد. (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۵ / ۷۳)

با توجه به مطالبی که بیان شد مشهور بودن این دیدگاه که بنی‌اسرائیل پس از عبور از دریا به سمت سرزمین مقدس رفتند، از دیدگاه یهودیان و مسیحیان و مسلمانان و اینکه قول به بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر طرفداران چندانی ندارد، روشن شد. نگارنده با جستجویی که انجام داده، بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر در هیچ کتاب تاریخی اسلامی و غیراسلامی مطرح نشده است؛ یعنی اگر این قول در برخی کتب تفسیری مطرح شده است اما هیچ تأثیری بر کتب تاریخی در این زمینه نداشته است. به‌نظر می‌رسد دلیل این امر نفوذ اسرائیلیات در داستان‌های پیامبران است. ذهن مفسران از ابتدا با روایت کتاب مقدسی شکل گرفته است و این ذهنیت، اجازه نمی‌دهد که تصویر دیگری از داستان به ذهن بیاید، به‌عنوان مثال ابن‌عطیه دلیل عدم پذیرش این قول را عدم وجود آن در تاریخ مطرح می‌کند.

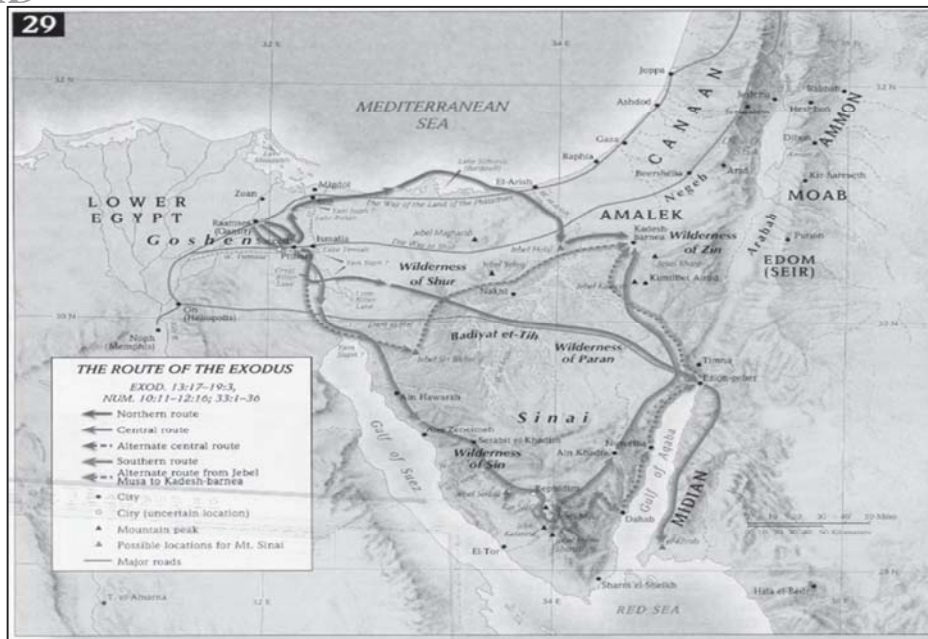
### محل عبور بنی‌اسرائیل از دریا و غرق شدن فرعونیان

در مورد محل عبور بنی‌اسرائیل دو قول وجود دارد. یکی عبور از دریا که یهودیان و مسیحیان و

برخی از مسلمانان بر این باور هستند و دیگری عبور آنان از رود نیل است که برخی از مسلمانان به آن قائل هستند. در مقاله «جغرافیای تاریخی عبورگاه بنی‌اسرائیل از بحر با تأکید بر دیدگاه‌های مفسران قرآن و عهد عتیق» دیدگاه‌های مختلف از جمله رود نیل، دریای سرخ، بحر سوف و ... بررسی شده و با شواهد باستان‌شناسی اثبات شده است که محل عبور بنی‌اسرائیل از خلیج عقبه بوده است که محل آن در تصویر ذیل آورده شده است. (ر. ک به: طباطبایی امین و احمدیان، ۱۳۹۳: ۱۰۹ - ۱۳۶)



پیش از این تصویر که تحقیقات جدید آن را ارائه کرده است، تصویر کتاب مقدسی که در ادامه آمده است، سه مسیر برای خروج بنی‌اسرائیل از مصر به تصویر کشیده است که یکی شمالی، یکی میانی و دیگری جنوبی است که نکته جالب توجه این است که هر سه، عبور از دریا را مطرح می‌کنند با این تفاوت که مسیر شمالی دریای مدیترانه را مطرح کرده است و مسیر میانی که خود دارای دو مسیر است، مسیر اصلی از دریاچه‌ای است که در منطقه میانی دریای مدیترانه و خلیج سوئز قرار دارد و مسیر جایگزین از قسمت فوقانی خلیج سوئز است. مسیر جنوبی هم از دریاچه مذکور و هم از قسمت فوقانی خلیج سوئز است. تنها مسیر میانی اصلی نشان می‌دهد که بنی‌اسرائیل به مدین آمده‌اند که با تحقیقات جدید که نشان می‌دهد از خلیج عقبه گذشتند و به مدین رسیدند از این جهت اتفاق نظر وجود دارد اما هیچ‌کدام از مسیرهای کتاب مقدسی عبور از خلیج عقبه را نشان نمی‌دهد.



رفت و آمد از کنعان به مصر یا از منطقه حجاز به مصر مرسوم بوده است. در کتاب مقدس اشاره شده است که ابراهیم علیه السلام به مصر رفته است (پیدایش ۱۲: ۱۰) و یوسف علیه السلام را نیز کاروانی با خود به مصر برده است (پیدایش ۳۷: ۲۹) و برادران یوسف علیه السلام نیز این مسیر را چندین بار رفتند که قرآن نیز در سوره یوسف به این موارد اشاره کرده است. بنابراین مسیر مشخصی میان مصر و کنعان بوده است. در سفر خروج نیز بیان شده است که موسی علیه السلام پس از کشتن یک مصری، از مصر فرار کرده و در مدین ساکن شد و سال‌ها بعد همین مسیر را بازگشت. قرآن نیز به همین حادثه اشاره کرده است. سؤالی در اینجا مطرح است که چرا بنی‌اسرائیل به سمت خلیج عقبه آمدند با وجودی که راه رفتن به کنعان مشخص بود. موسی علیه السلام نیز در جوانی از مصر تا مدین را رفته بود و با خانواده همین راه را بازگشته بود و آشنا به مسیر بود. افزون بر این، باور ما این است که حضرت موسی علیه السلام با کمک خدا مسیر را پیش می‌رفت به این دلیل که فرمود: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ». (شعراء / ۶۲) بنابراین اینکه آنان به سمت دریا آمدند به هدف کشاندن فرعونیان به آنجا و غرق کردن آنان بوده است که در ادامه شواهد آن بیان خواهد شد.

### شواهد قرآنی بازگشت بنی‌اسرائیل به مصر

با توجه به مطالب بیان شده، مشخص شد که محل عبور بنی‌اسرائیل از خلیج عقبه بوده و فرعونیان در آن غرق شدند. بحث دیگری که مطرح است و یهودیان و مسیحیان به آن قائل نیستند، بازگشت

بنی اسرائیل به مصر پس از غرق شدن فرعونیان است ولی برخی از مسلمانان با توجه به ظاهر برخی از آیات قرآن قائل به بازگشت بنی اسرائیل به مصر هستند. برای اثبات این ادعا ابتدا به رسالت حضرت موسی علیه السلام توجه خواهد شد و پس از آن شواهد قرآنی آن بیان خواهد شد.

رسالت حضرت موسی علیه السلام این بود که بنی اسرائیل را به کنعان بازگرداند. این رسالت به صراحت در قرآن بیان شده است. در آیات «... فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ»، (اعراف / ۱۰۵) و «... فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»، (طه / ۴۷) و «أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»، (شعراء / ۱۷) یکی از مهم‌ترین اهداف موسی علیه السلام و برادرش هارون علیه السلام نجات بنی اسرائیل و بردن آنان به کنعان معرفی می‌شود.

آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه، همراه کردن فرعون بود. اگر او موسی علیه السلام را تصدیق می‌کرد به راحتی می‌توانست بنی اسرائیل را به سمت کنعان بازگرداند. به همین دلیل موسی علیه السلام و برادرش نخست مأمور می‌شوند که فرعون را با گفتار نرم به همراهی دعوت کنند و برای رسیدن به این هدف با عصا و ید بیضا به سمت او می‌روند. فرعون پس از شکست در داستان مبارزه ساحران با موسی علیه السلام تسلیم نمی‌شود. در این مقطع مبارزه وارد مرحله‌ای دیگر می‌شود و آن فرستادن عذاب‌های دنیوی شامل خشکسالی و کمبود محصول، طوفان، ملخ، شپش، وزغ و خون است. پس از نازل شدن هر کدام از این عذاب‌ها فرعون پیمان می‌بست که اگر این عذاب برداشته شود ما تو را تصدیق کرده و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد. «... لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرَّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَكَتَرْنَا مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ»، (اعراف / ۱۳۴) مترجمان به اشتباه «لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ» را ایمان آوردن ترجمه کرده‌اند درحالی‌که واژه ایمان اگر با «باء» متعدی شود به معنای ایمان آوردن است ولی اگر با «لام» متعدی شود به معنای تصدیق کردن است کما اینکه در آیه «...يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ...»، (توبه / ۶۱) این دو در کنار هم آمده است که اولی به معنای ایمان به خدا و دومی به معنای تصدیق مؤمنان است ولی در هر مورد که عذاب برداشته می‌شد، فرعونیان نقض پیمان می‌کردند (اعراف / ۱۳۵) تا اینکه مرحله سوم شروع و تنها یک راه باقی ماند و آن از بین بردن فرعونیان بود. به تعبیر قرآن بعد از نقض عهد، ما از آنان انتقام گرفتیم. «فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ»، (اعراف / ۱۳۶) یا این تعبیر که هنگامی که خشم ما را برانگیختند از آنان انتقام گرفته و همگی آنان را غرق کردیم. «فَلَمَّا أَسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ»، (زخرف / ۵۵) برای این کار موسی علیه السلام و یاران اندکش توان جنگ با فرعونیان نداشتند، لذا موسی علیه السلام مأمور شد که بنی اسرائیل را به سمت دریا ببرد و وقتی فرعونیان از پشت سر به آنان رسیدند دریا شکافته شود و آنان نیز در تعقیب بنی اسرائیل وارد دریا شده و به دستور

الهی در آن غرق شوند. با توجه به مطالبی که بیان شد و با توجه به تعبیر «ما غرق کردیم» روشن می‌شود که این نقشه الهی بوده و آخرین راه همین بوده است که پیش از این نیز به آن اشاره شد. در این نقشه لزومی ندارد که تمام بنی‌اسرائیل حضور داشته باشند.

با توجه به آیات «فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ...»، (یونس / ۸۳) و «إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ»، (شعراء / ۵۴) روشن می‌شود که کسانی که موسی را همراهی کردند اندک بودند. در آیه نخست واژه «آمن» با حرف «لام» متعدی شده است که معنای آن این است که «هیچ‌کس موسی را تصدیق نکرد مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ به دلیل ترس از فرعون و سران قوم او که مبدا آنان را شکنجه کنند». ممکن است گفته شود که کمی اعتمادکنندگان به آغاز رسالت موسی علیه السلام مرتبط است که گفته می‌شود که طبق آیات قرآن، این ترس تا پیش از عبور نیز بوده است (شعراء / ۶۱) و در همین آیه تعبیر «اصحاب موسی» به جای «قوم موسی» یا «بنی‌اسرائیل» مطرح می‌شود و در ادامه نیز تعبیر «وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ»، (شعراء / ۶۵) قرینه بر این مطلب است که تمام بنی‌اسرائیل همراه موسی نبودند. افزون بر این، با توجه به آیات قرآن بنی‌اسرائیل روحیه لجاجت داشتند، پیامبرکش بودند و از پذیرش تورات سر باز زدند و وقتی پس از نجات از چنگال فرعونیان دستور جنگ آمد از ترس اقدام نکردند (مائده / ۲۴ - ۲۱) که نشان از این دارد که ترس در وجود آنان بوده است.

در مورد آیه دوم، واژه «شردمه» طبق تحقیق مصطفوی اشاره به گروه جدا شده دارد؛ یعنی به یاران موسی علیه السلام اشاره دارد که از بنی‌اسرائیل جدا شده‌اند. (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۶ / ۴۰) این تحقیق نشان می‌دهد که طبق این آیه تمام بنی‌اسرائیل با موسی علیه السلام نبودند و با قید «قلیلون» نشان می‌دهد که نسبت به بنی‌اسرائیل نیز جمعیت‌شان کم بوده است؛ یعنی اکثر بنی‌اسرائیل در مصر ماندند. پذیرش اینکه با این نیروی کم به جنگ در سرزمین مقدس رفته باشند، دشوار است و عاقلانه‌تر این است که همان گروه مؤمنان و بندگان خدا این کار را انجام دهند و فرعونیان را به دنبال خود آورده تا خدا آنان را در دریا غرق کند. بنابراین به یقین باید موسی علیه السلام دوباره به مصر بازگردد تا رسالت خود که بازگرداندن بنی‌اسرائیل به منطقه کنعان است را به پایان برساند؛ زیرا اکثر بنی‌اسرائیل که به تعبیر قرآن از ترس فرعون به موسی علیه السلام اعتماد نداشتند، در مصر باقی مانده بودند. پس از این مقطع خدا بیان می‌کند که ما مشرق و مغرب سرزمین مبارک را برای بنی‌اسرائیل به ارث گذاشتیم: «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...»، (اعراف / ۱۳۷) که می‌توان این نتیجه را گرفت که بنی‌اسرائیل وارث مصر نیز شدند.



قرینه دیگر بر اینکه این طرح و نقشه الهی بوده است، بررسی معجزات نه‌گانه حضرت موسی علیه السلام است. در تفسیر نمونه در برشماری این معجزات شکافتن دریا را جزو آنها ندانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲ / ۳۱۱) ولی با توجه به آیه ۱۲ سوره نمل «وَأَدْخُلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ...» که عصا و ید بیضاء را داخل در نه معجزه می‌داند و آنها را در ارتباط با فرعون و قومش بیان می‌کند، ملاکی به دست می‌آید و آن معجزاتی است که در ارتباط با مبارزه با فرعون است. بر این پایه طبق آیات ۱۳۰ و ۱۳۳ سوره اعراف، افزون بر عصا و ید بیضاء، هفت معجزه دیگر معرفی می‌شوند. در آیه ۱۳۰ آمده است که ما فرعونیان را با خشکسالی و کمبود محصول گرفتار کردیم که یک معجزه محسوب می‌شود به این دلیل که کمبود محصول از خشکسالی حاصل می‌شود و در آیه ۱۳۳ نیز پنج بالای طوفان، ملخ، شپش، وزغ و خون را ذکر می‌کند که مجموع معجزات مرتبط با مبارزه با فرعون به هشت معجزه می‌رسد. در آیات بعدی بیان می‌کند که ما از فرعونیان انتقام گرفتیم و آنان را غرق کردیم که با این معجزه تعداد معجزات مرتبط با مبارزه با فرعونیان به نه می‌رسد. بنابراین نه معجزه به این ترتیب هستند: عصا، ید بیضاء، خشکسالی و کمبود محصول، طوفان، ملخ، شپش، وزغ، خون و شکافته شدن دریا.

با توجه به رسالت موسی علیه السلام که بازگرداندن بنی اسرائیل به کنعان بوده است و فرض این است که تمام بنی اسرائیل با او همراه نشدند، بنابراین بازگشتن موسی علیه السلام و یارانش به مصر قطعی به نظر می‌رسد که در ادامه شواهد قرآنی این امر بیان خواهد شد.

#### شاهد یکم: وارث شدن بنی اسرائیل نسبت به اموال فرعونیان مصر

به نظر می‌رسد مهم‌ترین شاهد قرآنی برای بازگشت موسی علیه السلام و یارانش به مصر، به ارث گذاشته شدن دارایی‌های مصریان برای بنی اسرائیل است که در چند جای قرآن مطرح می‌شود. دو آیه «كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»، (شعراء / ۵۹) و «كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ»، (دخان / ۲۸) نشان می‌دهد که خداوند مصر را پس از فرعونیان برای بنی اسرائیل به ارث گذاشته است.

آیه «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...»، (اعراف / ۱۳۷) بلافاصله بعد از غرق کردن فرعونیان مطرح می‌شود که شاهی بر بازگشت بنی اسرائیل به مصر است. سرزمین مبارک باید بیت‌المقدس باشد به این دلیل که در چهار مورد از آیات قرآن که تعبیر «بارکنا» به کار رفته، سه مورد به منطقه بیت‌المقدس اشاره دارد (اسراء / ۱؛ انبیاء / ۷۱ و ۸۱) و یک مورد به منطقه سبأ در یمن. (سبأ / ۱۸) از آنجایی که این داستان هیچ ارتباطی به یمن ندارد، مراد از سرزمین

مذکور در این آیه منطقه بیت‌المقدس است. با توجه به این مطلب، پس از نابودی فرعونیان منطقه غرب کنعان؛ یعنی مصر به دست بنی‌اسرائیل افتاد و منطقه شرق آن؛ یعنی شمال عربستان نیز در اختیار آنان بود به این دلیل که وقتی موسی علیه السلام از دست فرعونیان فرار کرد و به مدین که در شمال عربستان است رسید و داستان خود را به شعیب علیه السلام گفت، شعیب علیه السلام پس از شنیدن داستان به او گفت که «... لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»، (قصص / ۲۵) یعنی نترس از منطقه حاکمیت فرعون خارج شدی. با توجه به مطالب بیان‌شده، منطقه شرق و غرب سرزمین مقدس در اختیار بنی‌اسرائیل قرار گرفت.

#### شاهد دوم: استخلاف و جانشینی

حضرت موسی علیه السلام به قوم خود توصیه می‌کند که: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، به ارث می‌گذارم». (اعراف / ۱۲۸) در آیه بعدی پس از شکایت بنی‌اسرائیل از آزار و اذیتی که از جانب فرعونیان به آنان می‌رسد، بیان می‌کند که: «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین (آنان) سازد و بنگرد چگونه عمل می‌کنید» کشتن دشمنان و استخلاف و جانشینی در همان زمین، غیر از مصر جایی دیگر را به ذهن متبادر نمی‌کند و بازگشت به مصر و به دست گرفتن حاکمیت آن از این آیه استفاده می‌شود.

شاهد سوم: ترس فرعون و هامان از برتری بنی‌اسرائیل و قصد نابودی آنان و برعکس شدن آن  
شاهد دیگر بر اینکه بنی‌اسرائیل پس از غرق شدن فرعونیان به مصر بازگشتند، آیات «فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعاً وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفاً»، (اسراء / ۱۰۴ - ۱۰۳) است که به صراحت بیان می‌کنند که فرعون قصد کرد که بنی‌اسرائیل را از زمین مصر برکند ولی ما فرعونیان را غرق کردیم و بعد از غرق شدن فرعون به بنی‌اسرائیل گفتیم که در زمین مصر ساکن شوند. نکته نخست اینکه آیه ۱۰۱ با اشاره به نه معجزه موسی علیه السلام شروع می‌شود و دیگر اینکه واژه «الارض» که در این دو آیه است باید به یک مکان اشاره کند نه اینکه مراد از اولی مصر و از دومی شام باشد که مفسران بر این دیدگاه هستند. نکته پایانی درباره «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفاً» است که معنای تحت‌اللفظی آن این است که «هرگاه وعده پایانی فرا رسید ما همگی شما را می‌آوریم» که مفسران «وَعْدُ الْآخِرَةِ» را به قیامت تفسیر کرده‌اند که هیچ تناسبی با آیات پیشین و پسین ندارد. می‌توان با توجه به رسالت الهی موسی علیه السلام که بازگرداندن بنی‌اسرائیل به بیت‌المقدس است، وعداخره را به وعده بازگشت به سرزمین مقدس تفسیر

کرد که تمام شما [بنی‌اسرائیل] را [به کنعان] آوردیم؛ یعنی موسی علیه السلام و یارانش با رفتن به سمت دریا و گذر از آن، فرعونیان را غرق کرده و به مصر بازگشتند و پس از سازماندهی آنان در وقت مقرر تمام آنان را به بیت‌المقدس بردند. از تأمل در آیات فوق چنین برداشت می‌شود که فرعونیان قصد داشتند که موسی علیه السلام و یارانش را هلاک کنند ولی با تدبیر الهی این امر برعکس شد و فرعونیان هلاک شده و بنی‌اسرائیل جای آنان را گرفتند.

آیات دیگر در این مورد، آیات ۳ تا ۶ سوره قصص است که افزون بر مسئله وارث شدن بنی‌اسرائیل «وَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» به مسئله ترس فرعونیان از اینکه بنی‌اسرائیل مصر را تصرف کنند، اشاره می‌کند و اینکه خدا بنی‌اسرائیل را حاکمیت داد و به فرعونیان آن چیزی را که از آن ترس داشتند، نشان داد که همان تصرف حاکمیتی مصر است «وَوَيْدَعُونَكَ لَأَسْرَبَنَّ فِي الْأَرْضِ وَتُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ». (قصص / ۶) در سوره طه به این مطلب اشاره شده است که فرعون به مردم مصر بیان می‌کرد که موسی و هارون علیهم السلام قصد دارند شما را از زمین خود (مصر) اخراج کنند و روش نمونه شما را از بین ببرند. (طه / ۶۳) در این سوره نیز با اشاره به اینکه فرعون بنی‌اسرائیل را به استضعاف کشانده بود و می‌ترسید که آنان حاکمیت مصر را در اختیار بگیرند، ولی با اراده الهی آنان حاکم مصر شده و کار برعکس شد. نکته قابل تأمل در این آیات این است که واژه «الارض» در سه آیه اشاره به یک‌جا دارد و آن مصر است؛ (حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۰۶) یعنی حکومت مصر به دست بنی‌اسرائیل افتاد که براساس آن باید بعد از عبور از دریا، آنان به مصر بازگشته باشند.

#### شاهد چهارم: اسکان بنی‌اسرائیل در مکانی خوب و پرنعمت پس از عبور از دریا

پس از اینکه در سوره یونس داستان موسی علیه السلام و فرعون بیان می‌شود و در پایان به غرق شدن فرعون اشاره می‌شود، در آیه ۹۳ بیان می‌شود که «وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ...» یعنی «به تحقیق ما بنی‌اسرائیل را در جایگاه صدق (و راستی) منزل دادیم؛ و از روزی‌های پاکیزه به آنان عطا کردیم...» در مورد تعبیر «مَبُوءًا صِدْقٍ» بیان شده که مقصود از آن می‌تواند سرزمین مصر باشد. به این دلیل که طبق بیان مشهور، بنی‌اسرائیل به سمت فلسطین رفته و از ورود به آن و جنگ برای ورود به آن خودداری کردند و چهل سال سرگردان شدند و اینکه این تعبیر بلافاصله بعد از غرق شدن فرعون آمده است، باید بعد از آن یک اسکان خوب و رزق و روزی خوب برای آنان ترسیم شود. بنابراین یک احتمال قوی این است که بنی‌اسرائیل به مصر بازگشته باشند و در آنجا مسکن گزیده باشند.

## شاهد پنجم: نجات بدن فرعون

اینکه قرآن در آیه ۹۲ سوره یونس می‌فرماید: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً...» باید دید که پس از روی آب آمدن بدن فرعون، که این خود یک معجزه است که چطور شخصی که زره داشته و باید سنگین باشد ولی روی آب آمد، چه کسانی آن را به مصر آوردند تا آن به تعبیر قرآن برای آیندگان نشانه باقی بماند؟ به تعبیر قرآن فرعونیان که همگی غرق شدند (زخرف / ۵۵) و کسی از آنان باقی نماند تا بدن فرعون را به مصر بازگرداند. بنابراین تنها فرض این است که بنی‌اسرائیل بدن او را گرفته و مومیایی کرده و آن را به مصر بازگرداندند تا مصریانی که تصور می‌کردند او پروردگار بزرگ آنان است از این تصور اشتباه دست بکشند و نیز بنی‌اسرائیلی‌هایی که از ترس فرعون به موسی علیه السلام اعتماد نکرده بودند، با موسی علیه السلام همراه شوند. البته احتمال دیگری نیز مطرح است و آن اینکه مصریانی برای تحقیق آمده باشند و جنازه فرعون را با خود برده باشند ولی این احتمال ضعیف به نظر می‌رسد به این دلیل که فاصله کم نبوده است و تا خبر به مصریان برسد و آنان برسند حداقل ۱۰ روز طول می‌کشید و دیگر اینکه تعبیر «نُنَجِّيكَ» نشان از این دارد که خدا به وسیله اعوان خودش، یعنی فرشتگان و پیامبرش چنین کاری کرده است. به این دلیل که وقتی خدا در تعابیر قرآنی از صیغه متکلم مع الغیر استفاده می‌کند، می‌تواند چنین چیزی را در نظر داشته باشد.

در تفسیر قمی نیز ذیل این آیه آمده است که حضرت موسی علیه السلام به بنی‌اسرائیل خبر داد که خدا فرعون را غرق کرده است، ولی آنان باور نکردند؛ خدا به دریا دستور داد تا فرعون را به ساحل بیاورد تا او را مرده ببینند. (قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۱۶) بنابراین روشن می‌شود که بدن فرعون به طرف ساحلی آمده است که بنی‌اسرائیل حضور داشتند.

## شاهد ششم: القریه در داستان باب حطه

در کتاب **باب حطه در قرآن و روایات**، نویسنده پس از نقل نظرهای مختلف در باب مکان قریه‌ای که قرآن به بنی‌اسرائیل ورود و سکونت در آن را دستور می‌دهد و در آیات ۵۸ بقره و ۱۶۱ اعراف در قرآن مطرح شده است، نظریه مختار را مصر معرفی می‌کند و دیدگاه مشهور که بیت‌المقدس و اریحا و مکان‌های دیگر است را رد می‌کند. نویسنده شواهدی را مطرح می‌کند که اینجا به مهم‌ترین شاهد آن اشاره می‌شود و آن اینکه در جریان باب حطه هیچ جنگی در میان نبوده است. در صورتی که در مورد بیت‌المقدس و اریحا و سایر شهرهای سرزمین مقدس بحث جنگ در تورات و قرآن مطرح است. (حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۱۴ - ۲۱۰)

### شاهد هفتم: کم بودن یاران حضرت موسی علیه السلام

از آیات قرآن به دست آمد که همراهان موسی علیه السلام از بنی‌اسرائیل در عبور از دریا کم بودند. با توجه به رسالت موسی علیه السلام که نجات بنی‌اسرائیل و آوردن آنان به بیت‌المقدس بوده است، بنابراین باید موسی علیه السلام به مصر بازمی‌گشت تا تمام بنی‌اسرائیل را آماده رفتن به بیت‌المقدس کند که با «فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا» که بیان آن در شاهد سوم گذشت نیز سازگاری دارد؛ یعنی وعده نهایی که بازگرداندن تمام بنی‌اسرائیل به کنعان بود، رخ خواهد داد.

### شاهد هشتم: سکونت اصحاب سبت کنار دریا

در داستان اصحاب سبت که به بنی‌اسرائیل زمان موسی علیه السلام مرتبط است به این دلیل که در میان داستان‌هایی واقع شده است که به یقین در این مقطع تاریخی بوده است و آیات آن بعد از دخول و سکونت در قریه مطرح می‌شود، دو نکته قابل تأمل است یکی واژه «القریه» و دیگری «حاضرة البحر» یعنی کنار دریا بودن آن است. (اعراف / ۱۶۳) افزون بر این، با تأمل در آیات ۱۵۳ و ۱۵۴ سوره نساء به یقین می‌رسیم که داستان اصحاب سبت در زمان موسی علیه السلام بوده است؛ زیرا تمام مواردی که مطرح می‌شود از جمله درخواست از موسی علیه السلام برای دیدن خدا به صورت آشکار، گوساله‌پرستی، بالا بردن کوه بر سر بنی‌اسرائیل، دستور به داخل شدن به قریه به حالت سجده و اینکه احکام روز شنبه را نگاه دارند، به موسی علیه السلام مرتبط می‌شود. با توجه به ظهور آیات مربوط به داستان موسی علیه السلام احکام روز شنبه نیز به یقین پس از عبور از دریا و غرق شدن فرعونیان با نزول الواح به موسی علیه السلام نازل شده است یعنی پیش از آن، در زمانی که در مصر بودند، احکام و شریعت موسی علیه السلام هنوز نازل نشده بود. به این مطلب در فصول ۱۹ و ۲۰ سفر خروج عهد عتیق نیز تصریح شده است. در میان اندیشمندان مسلمان نیز در این زمینه اتفاق نظر وجود دارد. افزون بر این، در تأیید این برداشت روایت نیز وجود دارد به این مضمون که حضرت موسی علیه السلام به بنی‌اسرائیل می‌گفت که هنگامی که خدا برای شما گشایش ایجاد کند و دشمنان را هلاک کند، کتابی از طرف پروردگارتان برای شما می‌آورد که مشتمل بر اوامر و نواهی و مواعظ و عبرت‌ها و مثل‌ها باشد. (التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، ۱۴۰۹: ۲۴۸)

اگر طبق دیدگاه مشهور پس از عبور از دریا بنی‌اسرائیل به سمت فلسطین رفته باشند و از ورود به آن سرزمین نیز تخلف کرده باشند و چهل سال در بیابان سرگردان شده باشند و در بیابان احکام و شریعت موسی علیه السلام نازل شده باشد، این سکونت در شهری در کنار دریا امکان وقوع ندارد، به این

دلیل که موسی و هارون علیهم‌السلام طبق دیدگاه مشهور در بیابان از دنیا رفتند و یوشع توانست بنی‌اسرائیل را وارد سرزمین مقدس کند و آنان را در آنجا ساکن کند. این آیات نشان می‌دهند که موسی علیه‌السلام و یارانش بعد از دریافت الواح و شریعت و قضایای گوساله‌پرستی به مصر بازگشتند و بنی‌اسرائیل در مصر در شهرهای مختلف ساکن شدند که یکی از آنها در کنار دریا بوده است.

#### شاهد نهم: مواجهه حضرت موسی علیه‌السلام با قارون

شاهد دیگر دقت در مکان مواجهه موسی علیه‌السلام با قارون است که با این مسئله؛ یعنی بازگشت موسی علیه‌السلام و یارانش به مصر بیشتر سازگار است، به این دلیل که طبق دیدگاه مشهور، قارون از احکام و شریعت تخلف می‌کند (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۴۴ - ۱۴۶) و با توجه به اینکه در شاهد هشتم بیان شد احکام و شریعت پس از عبور از دریا به بنی‌اسرائیل نازل شده است و در مدت سکونت در مصر الواح و شریعت هنوز نازل نشده بود، بنابراین در مصر پیش از غرق شدن فرعونیان چنین چیزی نباید رخ داده باشد و پس از عبور از دریا نیز همان‌گونه که بیان شد طبق نظر مشهور ساکن شدن در جایی رخ نداده است و با تخلف از ورود به سرزمین مقدس، سرگردانی در بیابان رخ داده است. بنابراین بازگشت به مصر و تلاش برای نهادینه کردن شریعت در آنجا و آمادگی برای ورود به سرزمین مقدس معقول به نظر می‌رسد و مبارزه با قارون نیز در آنجا رخ داده است، به این دلیل که او دارای خانه و ثروتی است که کلیدهای آن را جوانان نیرومند نیز به سختی می‌کشیدند (قصص / ۷۶) و تصور اینکه این در صحرای سینا و در زمان سرگردانی بوده باشد خیلی بعید به نظر می‌رسد.

با توجه به شواهد بیان شده و با ملاحظه آیات ۵۰ تا ۶۶ سوره بقره و ۱۴۲ تا ۱۷۱ سوره اعراف، ترتیب حوادث در داستان موسی علیه‌السلام بعد از غرق شدن فرعونیان، اینگونه به نظر می‌رسد که موسی علیه‌السلام با جانشین قرار دادن هارون علیه‌السلام به میقات می‌رود و الواح و شریعت را دریافت می‌کند و داستان گوساله‌پرستی در این مقطع رخ می‌دهد و بعد از اینکه از این حوادث عبور می‌کنند، بنی‌اسرائیل به سمت مصر بازمی‌گردند که در آیه ۵۸ سوره بقره با تعبیر داخل شدن «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ...» و در آیه ۱۶۱ سوره اعراف با تعبیر سکونت در آن «وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ...» به آن اشاره شده است.

#### نتیجه

با توجه به شواهد متقن قرآنی که بیان شد، موسی علیه‌السلام پس از عبور از دریا و دریافت شریعت به

همراه یاران خود به مصر بازگشت و همت خود را بر تربیت دینی بنی اسرائیل متمرکز کرد. شواهد قرآنی این مطلب، در ذیل این عناوین بحث شدند: وارث شدن بنی اسرائیل نسبت به اموال فرعونیان مصر، استخلاف و جانشینی بنی اسرائیل، ترس فرعون و هامان از برتری بنی اسرائیل و قصد نابودی آنان و برعکس شدن آن، اسکان بنی اسرائیل در مکانی خوب و پرنعمت پس از عبور از دریا، نجات بدن فرعون، القریه در داستان باب حطه، کم بودن یاران موسی، سکونت اصحاب سبت کنار دریا و مواجهه موسی با قارون که نشان‌دهنده این مطلب هستند که بنی اسرائیل برای محقق شدن ارثی که قرآن بیان می‌کند یا جانشینی آنان به جای فرعونیان و مواردی از این دست، باید به مصر بازمی‌گشتند.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- کتاب مقدس (ترجمه قدیم)، انتشارات ایلام.
- ابن جزی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ق، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت، شرکة دار الارقم.
- ابن عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام، ۱۴۲۹ق، *تفسیر العز بن عبد السلام*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن عطیة، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابوالسعود، محمد بن محمد، ۱۹۸۳م، *ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اپستاین، ایزیدور، ۱۳۸۵، *یهودیت بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، *تفسیر البغوی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- *التفسیر المنسوب الی الإمام الحسن العسکری (علیه السلام)*، ۱۴۰۹ق، قم، مدرسة الإمام المهدي (علیه السلام).
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲، *تفسیر تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، ج ۳۰، تحقیق حیدرعلی ایوبی و ولی الله عیسی زاده، قم، اسراء.

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، *تفسیر تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*، ج ۳۷، تحقیق محمدربیع میرزایی و حسین شفیعی، قم، اسراء.
- حسن زاده کریم آباد، داود، ۱۳۹۵، *باب حظه در قرآن و روایات*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- روحی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، «بنی اسرائیل» در *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- سیواسی، احمد بن محمود، ۱۴۲۷ق، *عیون التفاسیر*، بیروت، دار الصادر.
- طباطبایی امین، طاهره سادات و محمدعلی احمدیان، ۱۳۹۳، «جغرافیای تاریخی عبورگاه بنی اسرائیل از بحر با تأکید بر دیدگاه‌های مفسران قرآن و عهد عتیق»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ش ۲۴، ص ۱۳۶ - ۱۰۹، تهران، *دانشگاه الزهراء علیها السلام.*
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸م، *التفسیر الکبیر؛ تفسیر القرآن العظیم*، اردن، دار الکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *کتاب التفسیر*، تهران، المطبعة العلمية.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتاب.
- کاشانی، فتح الله، بی تا، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- محلی، جلال‌الدین و جلال‌الدین سیوطی، ۱۴۱۶ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسة النور.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ج ۱۰.
- نسفی، عبدالله بن احمد، ۱۴۱۶ق، *مدارک التنزیل و حقائق التاویل*، بیروت، دار النفاثس.